

«من با ایمان کامل، به آمدن ماشیح اعتقاد دارم.

و اگرچه او تاخیر کند،

با این همه هر روز در انتظار هستم تا بیاید.»

اصول سیزده گانه ایمان - شماره 12

ماشیح

موضوع ماشیح و دوره گئولا (نجات)

در پرتو

قوانین و اعتقادات یهود

نوشته:

ربی ج. عیمانوئل شوخط

ترجمه و تالیف:

یعقوو یروشلمی

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
1.....	پیشگفتار
6.....	فصل اول - ایمان به ماشیح
8.....	فصل دوم - عصر گئولا (نجات نهایی).....
16.....	فصل سوم - دوره قبل از ماشیح (לאקבות דמשיחא).....
18.....	فصل چهارم - شخصیت ماشیح
21.....	فصل پنجم - تاریخ آمدن ماشیح

پیشگفتار

حوادث و پیشرفت های شگرف و ناگهانی دنیای امروز، تغییر و تحولات چشمگیری در تمامی جوانب زندگی بشر ایجاد کرده، و شرایط دنیوی را به طرز عجیبی دگرگون ساخته است. اینها همه دقیقاً منعکس کننده نشانه های بارز نزدیک شدن دوره گئولا بوده، که با صراحت کامل در تلمود، میدراش، و دیگر نوشته های مقدس یهود، تشریح گشته است. این دگرگونی ها باعث شده که مردم، بیش از پیش، از موضوعات مربوط به ماشیح و گئولا آگاهی یافته، و در مورد اثرات ظهور قریب الوقوع وی، جوهای اطلاعات بیشتری شوند.

ایمان به آمدن ماشیح، یکی از پایه های اساسی تورا و آیین یهود است. ولی با این حال، فقط اشخاص بسیار معدودی، اندیشه و افکار خود را درباره این موضوع مهم، و معنی و مفهوم واقعی آن، مشغول می سازند. البته موضوع ماشیح، اصلی تصدیق شده است، ولی بیشتر به صورت یک تئوری خشک و خیالی، و نه واقعی، قابل لمس، و حقیقی. در واقع، تردید و نگرانی زیادی، این موضوع را احاطه کرده، که تا حدودی به خاطر ترس و واهمه از ناشناخته ها و روبرو شدن با آیندهای نامعلوم و اسرارآمیز می باشد. به علاوه، خاطرات دردناک از عواقب مصیبت بار و فجیع ماشیح های دروغین در گذشته، و پیش بینی های عملی نشده، که سالیان دراز، جوامع یهودی را در یاس و ناامیدی فروبرده، و آنها را مغشوش و سرخورده باقی گذاشته است، موجبات دیگر این نگرانی را به وجود آورده، و مردم را از این موضوع، گریزان می سازد.

از طرف دیگر، درست در زمانهایی که آزار، شکنجه، رنج و مشقت ملت یهود به اوج خود رسیده (که البته این گونه موقعیت ها در تاریخ یهود، تا به امروز، هیچ گونه کم و کسری نداشته اند)، ایمان به ماشیح و گئولا بوده که جرقه های امید را روشن نگاه داشته، و باعث شده که ملت یهود، بر بدترین و هولناک ترین مصیبت های تاریخ چیره گشته، و در انتظار روز قضاوت الهی باشد، که حق بر ناحق پیروز شده، و سحر تازه ای از صلح و صفا، برادری و صمیمیت، بر جهانیان طلوع کند، و «تمامی زمین، از دانش الهی، مملو گردد» (یشعیا 9:11) و «تمامی نوع بشر، نام خدا را خوانده، و او را یکسان عبادت خواهند کرد» (صفیا 9:3).

امروزه بیش از هر دوره دیگری، علائم زمان گئولا در دنیا دیده می شود، و این امر، علاقه مردم را در کسب اطلاعات بیشتر راجع به آن، افزایش داده است. سوالات زیادی در این مورد می شود، ولی

منابع بسیار کمی در دسترس هستند که اطلاعات پراکنده از تلمود، میدراش، و سایر ادبیات مقدس یهود، راجع به این موضوع را یکجا به مردم ارائه دهند. از این چند منبع، تقریباً هیچکدام به زبان محاوره و قابل فهم مردم عادی نوشته نشده، و در نتیجه قابل استفاده آنها نمی باشد.

به خاطر همین دلایل بود که اخیراً از نگارنده ی این صفحات، درخواست شد که راجع به این موضوع، سخنرانی هایی ایراد کند. به دنبال آن، تقاضاهای بیشمار مردم، باعث شد که این سخنرانی ها، در کتاب حاضر، که شمه ای از آنهاست، به چاپ برسد.

خواننده نباید در انتظار مطالب نوین و تازه ای باشد. همچنین، هدف نویسنده، تجزیه و تحلیل این موضوع به طور بسیط و جامع نبوده، بلکه بیشتر سعی شده است که مجموعه محدودی از قواعد کلی راجع به ماشیح و زمان گئولا که از تنخ (تورا، نویسیم، کتوبیم)، تلمود، میدراشیم، هارامبام، و چند منبع موثق دیگر راجع به این موضوع و درک و فهم آن استخراج شده، به طور خیلی خلاصه ارائه شود.

با این همه، بایستی یادآوری کرد که سعی و کوششی که در نوشتن این مطالب صرف شده، تنها به منظور کسب دانش نبوده است. دانش وسیله ای است برای رسیدن به اهداف دیگر. به نقل از گمارای براخوت (17 الف): «مراد از عقل و خرد، تشووا (بازگشت به سوی خدا) و مَعْسِیم طُوویم (اعمال نیک) می باشد.» بنابراین امید بر آنست که مطالعه این نوشته ها، نه تنها به آگاهی خواننده بیفزاید، بلکه وی را در تشخیص واقعیت و امکان پذیری مطالب درج شده، یاری داده، و ایمان و انتظار او را نسبت به گئولا و آمدن ماشیح، بیدار و یا تقویت کند.

دنیای امروز، اولین دوره ای نیست که برای به وقوع پیوستن نبوت های انبیا راجع به گئولا، بهترین و مناسبترین زمان شناخته شده باشد. در گذشته، تحت همین گونه شرایط، حخامیم آن دوره به مردم اصرار کردند، راه و روش زندگی خود را تصحیح کرده، و آنها را در استفاده از فرصت برای آوردن ماشیح، تشویق نمودند. به عنوان مثال، ربی مشه بن نحمان (معروف به «زَمان»)، کتاب خود به نام «سِفِر هَگئولا» را به خاطر پیش بینی نجات نهایی در زمان خود نوشته است. همچنین ربی ییصحاق اَبَرَبَنئیل، در زمان خود، پا را بسیار فراتر نهاده، و کتاب های «مَشْمِیع یشوعا»، «مَعیانَه هیشوعا» و «یشوعوت مَشِیحُو» را به رشته تحریر درآورد.

اَبَرَبَنئیل، دلیل نگارش تالیفات خود را، نگرانی به خاطر ملت خویش می داند، که «در شب تاریکش، او را از خواب گالوت بیدار کند ... ملت خدا، به خاطر مصیبتها، قلبش داغ شده، و تشنه آبهای نشاما می باشد ... بنابراین، من این چشمه را حفر کردم، تا به قوم منتخب خود، «آب خنک از برای جان خسته (امثال سلیمان 25:25)» تقدیم کنم ...». «هدف اصلی من، تقویت دستان ضعیف، و استوار کردن پاهای لغزان می باشد.» او همانند رَمان، عمل ماجراجویانه خود، مبنی بر پیش بینی و محاسبه زمان گئولا (۲۲ - آخر زمان)، و با در واقع، تعبیر و تفسیر متون راجع به گئولا، و ارئه مقصود اصلی آنها را نه

تنها مجاز دانسته، بلکه این کار را به خاطر نزدیکی نجات نهایی، فریضه ای واجب به شمار می آورد. به همین دلیل، او این نکته را مسلم می داند که، با در نظر گرفتن گئولای قریب الوقوع، همه کسانی که در این راه عمل کنند، «مردم بسیاری را شایسته خواهند کرد، زیرا آنها ایمان ملت حد.ا را قویتر کرده، و امید و انتظار برای ترحم الهی را افزایش می دهند ... (با تشخیص اینکه) «رستگاری من (حد.اوند) برای آمدن، و عدالتم برای ظهور، نزدیک است» (یشعیا 1:56).

در قرن اخیر، این موضوع توسط یکی از پیران مقدس یهود، به نام «ربی ییسرائل مئیر هکوهن»، معروف به «حافص حییم»، که یکی از موثق ترین مراجع تقلید زمان خود به شمار می رفت، دوباره اتفاق افتاد. او در گفته ها و نوشته های متعدد خود، نوید گئولای نهایی را به مبت ییسرائل داده، و به آنها به طور مداوم، اصرار کرده که با اصلاح و تزکیه روش زندگی، خود را برای گئولای در شرف وقوع، آماده سازند. در واقع می توان گفت که نامه ها و اعلامیه های مختلف، و کتابهای مخصوصی که وی برای بیدار کردن ملت ییسرائل، به همین هدف صادر و منتشر کرد، در تاریخ یهود بی سابقه بودند. همچنین، او مطالعه قوانین مربوط به عبادت و قربانی های بت همیقداش (معبد مقدس) را، به خصوص برای اشخاص کوهن، دوباره تجدید کرد.

به خاطر هر دلیل ناشناخته ای، این امکانات، جامعه عمل به خود نگرفت. با این حال، امروزه، حوادث و دگرگونی های کنونی، بیش از پیش حاکی از آن هستند که

«صدای محبوبم، اینک او می آید؛ از روی کوهها جهیده، و از فراز تپه ها جست و خیز می کند ... اینک او پشت دیوار ما ایستاده، از پنجره ها ناظر است، و از روزنه ها نگاه می کند ... برخیز ای محبوب من! و به پیش برو! زیرا اینک زمستان گذشته، فصل باران تمام شده و رفته است. شکوفه ها بر زمین پدیدار گشته اند، وقت سرود فرارسیده، و صدای راهنما در زمین شنیده می شود.» (شیر هشیریم 12-8:2)

رهبران عالیقدر زمان ما نیز، دوباره تاکید کرده اند که ما در دوره ای بسیار بااهمیت و خطیر در تاریخ، به سر می بریم. بنابراین بر ما واجب است که ایمان و انتظار خود را نسبت به گئولای نهایی تقویت دهیم، از معنی و مفهوم آن باخبر گشته، و قوانین و مطالب مربوط به آن را مطالعه کنیم. انتظار داشته و از صمیم قلب بخواهیم که نجات نهایی تحقق یافته، و بدین طریق، به وقوع پیوستن آن را سبب شویم. پیشبرد این هدف، مقصود اصلی این کتاب است.

ج. عیمانوئل شوحت

تورنتو - 28 سیوان 5751

فصل اول

ایمان به ماشیح

یکی از پایه های اساسی و اصول مهم آئین یهود، ایمان به آمدن ماشیح و دوره نجات می باشد. هر یهودی باید اعتقاد داشته باشد که ماشیح، به پا خواسته، پادشاهی خاندان حضرت داوید را دوباره تجدید خواهد کرد. بت همیقداش (معبد مقدس در یروشالیم) را از نو بنا نهاده، و پراکندگان ملت ییسرائل را گرد هم خواهد آورد. در زمان او، تمامی قوانین تورا، همانند دوران سابق به مرحله اجرا گذاشته خواهند شد.

«هر کس که به او اعتقاد نداشته باشد، و یا کسی که چشم به راه آمدن او نباشد، نه تنها عملاً گفته های سایر انبیا را انکار کرده است، بلکه حقیقت تورا و حضرت موسی (مشه ربنو) را (نیز منکر شده است)؛ زیرا تورا در مورد او شهادت می دهد، همانطور که گفته شده: «حد.اوند، حد.ای تو، اسیران تو را بازگردانیده، و بر تو ترحم خواهد کرد. او بازگشته، و تو را جمع خواهد نمود ... اگر تبعیدشدگان تو، در آخرین گوشه آسمانها باشند، ... حد.اوند، تو را خواهد آورد.» این گفته های صریح تورا، تمامی سخنان انبیا (در رابطه با ماشیح و گئولا) را در بر می گیرند.» (میشنه تورا - هارامبام)

بعضی از مراجع و مفسرین تورا، این اصل مهم را قسمت تکمیل کننده ای از اولین فرمان از فرامین ده گانه «من هستم حد.اوند، حد.ای تو، که تو را از سرزمین مصر، از خانه بردگی بیرون آوردم» (شموت 2:20) می دانند، که در آن، ایمان به حد.اوند، به ما دستور داده شده است، بدین معنی که:

«انسان باید بداند، او که آسمان و زمین را خلق کرد، حاکم مطلق در بالا و پایین و چهار جهت دنیا است ... این نکته شامل (این اصل) است ... که در قضاوت بعد از مرگ، از انسان سوال می شود: «آیا تو برای نجات و رستگاری، اشتیاق و آرزو داشتی؟» فرمان بالا، مدرکی از تورا در مورد این وظیفه (ایمان به آمدن ماشیح) می باشد، بدین معنی که: همانطور که ما باید اعتقاد داشته باشیم که حد.اوند، ما را از سرزمین مصر بیرون آورد ... به همین طریق نیز «من از تو می خواهم که اعتقاد داشته باشی، که من، حد.اوند، حد.ای تو، تو را دوباره جمع کرده، و نجات خواهم داد ...»

فصل دوم

عصر گئولا (نجات نهایی)

الف) تجدید بنای بت همیقداش

ماشیح، بت همیقداش را از نو در یروشالییم بنا خواهد کرد. این، بت همیقداش سوم خواهد بود، که طبق نبوت الهی یحزقل هئاوی، برای همیشه پابرجا خواهد ماند: «من، حد.اوند، خانه مقدس خود را تا ابد در میان آنها خواهم گذاشت. مکان سکناى من، در میان آنها خواهد بود ... و ملتها خواهند دانست که من، حد.ائی هستم که بیسرائل را مقدس می کنم، هنگامی که خانه مقدس من، برای ابد در میان آنها خواهند بود.»

ب) جمع آوری پراکندگان ملت بیسرائل

ملت پراکنده بیسرائل، به وسیله ماشیح، گرد هم خواهند آمد. فهرست مختصری از گفته های تورا و انبیا در این مورد، به قرار زیر می باشد:

(دواریم 4-3: 30): «حد.اوند، حد.ای تو، اسیران تو را باز خواهد گردانید ... او بازگشته و تو را از تمامی ملت‌هایی که حد.اوند، حد.ای تو، در میانشان پراکنده کرده، جمع خواهد نمود. اگر تبعیدشدگان تو، در اقصی نقاط آسمانها باشد، حد.اوند، حد.ای تو، تو را از آنجا جمع خواهد کرد، و تو را از آنجا خواهد گرفت.»

(یشعیا 11-12: 11): «و واقع خواهد شد در آن روز، که حد.اوند، بار دیگر دست خود را برای بازخرید باقیمانده ملتش افراشته خواهد کرد ... و پرچمی برای ملت‌ها برافراشته کرده، و تبعیدشدگان بیسرائل را جمع آوری خواهد نمود ...»

(یشعیا 6-5: 43): «هراسان مباش، زیرا من با تو هستم! نسل تو را از شرق خواهم آورد، و از غرب، تو را جمع آوری خواهم نمود. به شمال خواهم گفت: (فرزندانم را) پس بده! به جنوب

(هشدار خواهم داد): مانع مشو! فرزندان مرا از دوردستها بیاور، (و) دخترانم را از اقصی نقاط زمین.»

(عاموس ۱۴-۱۵: ۹): «و اسیران قوم خود، بیسرائل را بازخواهم گردانید، و ایشان، خرابه ها را بنا کرده و ساکن خواهند شد، و ... آنها را در سرزمین خود مستقر خواهم نمود، و دیگر از سرزمینهایشان که به آنها داده ام، ریشه کن نخواهند شد ...»

(یرمیا ۸-۷: ۲۳): «حد.اوند می فرماید: بنابراین اینک روزهایی فراخواهند رسید، که آنها (بنه بیسرائل) دیگر نخواهند گفت (قسم نخواهند خورد): "به حد.اوندی که زنده و جاوید است، و فرزندان بیسرائل را از سرزمین مصر بیرون آورد"، بلکه (خواهند گفت): "به حد.اوندی که زنده و جاوید است، و نسل بیسرائل را از سرزمین شمال (بابل)، و از تمام سرزمینهایی که او، آنها را به آنجا تبعید کرده بود، برداشته و آورده است؛ و آنها در سرزمین خود ساکن خواهند شد.»

(یحزقل ۲۷-۲۹ و ۲۵: ۳۹): «بنابراین، حد.اوند چنین می فرماید: حالا اسیران (قوم) یعقوو را بازگردانیده، و بر تمامی خاندان بیسرائل، ترحم خواهد نمود ... (موقعی) که آنان را از (بین) ملتها بازگردانیده، و از سرزمین دشمنانشان، جمع آوری خواهم نمود ... و خواهند دانست که من، حد.اوند، خالق و حد.ای ایشان هستم، که آنها را به میان ملتها تبعید کردم، و (خود من هم) در سرزمینشان جمع آوری کرده، و هیچکس از آنها را در آنجا باقی نخواهم گذاشت. دیگر صورت خود را از آنها مخفی نخواهم نمود، همانطور که روح خود را بر خاندان بیسرائل جاری خواهم ساخت.»

این عهد الهی در مورد بازگشت و تجدید حیات ملت بیسرائل، عهدی بدون چون و چراست، و حتی اگر مردم، حاضر به بازگشت نباشند، به وقوع خواهد پیوست:

(یحزقل ۴۰-۴۲ و ۳۲-۳۷: ۲۰): «آنچه شما در فکر دارید، به وقوع نخواهد پیوست. یعنی آنچه شما می گوئید: "مثل ملل (دیگر)، و همانند اقوام کشورها(ی دیگر) باشیم، و چوب و سنگ را عبادت کنیم." حد.اوند می فرماید: همانطور که من زنده هستم، یقیناً با قدرت قوی، بازوی افراشته، و خشم برافروخته، بر شما پادشاهی خواهم کرد. و شما را از بین امتها بیرون

آورده، و از سرزمینهایی که در آنجا پراکنده شده اید، با دست قوی و بازوی افراشته و خشم برافروخته، جمع آوری خواهم نمود ... و شما را از زیر عصای پادشاهی، عبور داده، و به عهد سنت خود وارد خواهم کرد ... زیرا حد اوند می گوید که بر کوه مقدس من ... تمامی خاندان بیسرائل، مرا عبادت خواهند کرد ... هنگامی که شما را از بین امتهای بیرون آورده، و از سرزمینهایی که در آنها پراکنده شدید، جمع آوری خواهم نمود، و به وسیله شما، در نظر ملتها مقدس خواهم گشت. و شما خواهید دانست که حد اوند، من هستم، موقعی که شما را به سرزمین بیسرائل خواهم آورد، به سرزمینی که دست خود را (به نشان سوگند) بلند کردم، که آن را به پدران شما بدهم.»

(یحزقل 25-22، 36): «بنابر این به خاندان بیسرائل بگو، چنین می فرماید حد اوند: من (این کار را) به خاطر شما، ای خاندان بیسرائل، انجام نمی دهم، بلکه به خاطر نام مقدس خود، که شما آن را در بین ملتهایی که به آنجا رفتید، بی حرمت کردید؛ و نام کبیر خود را که در میان ملل، بی حرمت کردید، مقدس خواهم کرد. و حد اوند می گوید: ملتها خواهند دانست که من حد اوند هستم، موقعی که به وسیله شما در نظر ملتها مقدس خواهم گشت. و شما را از میان ملتها گرفته، و از تمامی سرزمینها جمع آوری خواهم نمود، و شما را به سرزمینتان خواهم آورد. و من بر شما آبهای پاک خواهم افشاند، و از تمامی خطاهایتان، تطهیر خواهید شد. و من، شما را از تمامی بتهایتان تطهیر خواهم کرد.»

ج) پایان بدی و گناه

با آمدن دوره گئولا، پلیدی و گناه، از بین خواهد رفت:

(یحزقل 37:23): «و آنها دیگر خود را با بتها، و اعمال مکروه و خطاهای خود، پلید نخواهند کرد...»

(صَفِیَا 13:3): «باقمیانده بیسرائل، گناهی مرتکب نخواهند شد، دروغ نخواهند گفت، و در دهانشان، زبان فریب آمیز یافت نخواهد شد.»

(زخریا 2:13): «و در آن روز ... من، اسامی بتها را از زمین منقطع خواهم کرد، و آنها دیگر به یاد آورده نخواهند شد؛ و همچنین انبیای دروغین، و روح ناپاکی (غریزه بد) را از زمین برخواهم انداخت.»

(ملاخی 3:19): «زیرا اینک، روزی خواهد آمد که همانند تنور، سوزان خواهد بود، و تمام گنهکاران، و آنها که ظلم می کنند، (مثل) گاه خواهند شد ... (به طوری) که از آنها، ریشه و شاخه ای باقی نخواهد گذاشت.»

(یشعیا 60:21): «و قوم تو، همگی صدیق خواهند بود؛ ایشان، زمین را برای همیشه به ارث خواهند برد ...»

(یرمیا 50:20): «حد.اوند می گوید: در آن موقع، گناه بیسرائل جستجو خواهد شد، ولی وجود نخواهد داشت، و خطاهای یهودا (جستجو خواهد گردید)، ولی پیدا نخواهند گشت.»

د) درک ا.لهیت، و آگاهی واقعی از وجود حد.ا

عصر گئولا، آگاهی و درک وجود و ماهیت ا.لهی بار-یتعالی را برای تمامی افراد بشر، به ارمغان خواهد آورد:

(یشعیا 11:9): «زمین، از دانش ا.لهی مملو خواهد گشت، همانند آبهایی که دریا را می پوشانند.»

(یشعیا 40:5): «عزت حد.اوند، ظاهر گشته، و تمامی افراد بشر، با همدیگر خواهند دید که دهان حد.اوند، صحبت کرده است.»

(یشعیا 52:8): «با چشمان خود، خواهند دید که حد.اوند، به صیون بازمی گردد.»

(یرمیا 33-32:31): «تعالیم خود را در نهاد آنها گذاشته، و بر قلبشان خواهم نوشت؛ و برای آنها به عنوان حد.ا بوده، و آنها (هم) قوم من خواهند بود. دیگر کسی همنوعش را تعلیم نداده، و کسی برادرش را (درس نخواهد داد) که: «حد.ا را بشناس!» زیرا آنها همگی مرا خواهند شناخت، از کوچکترین، تا بزرگترین آنها ...»

روح ا.لهی بر مردم (لایق) نازل شده، به آنها قدرت نبوت خواهد بخشید:

(یوئل 2-1:3): «روح خود را بر تمامی نوع بشر، جاری خواهم ساخت؛ پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد ... در آن ایام، روح خود را بر غلامان و کنیزان نیز جاری خواهم ساخت.»

هـ) پرستش و ستایش بین المللی حد۱

ماشیح تمامی دنیا را طوری اصلاح خواهد کرد که همگی حد۱ را در اتحاد کامل مورد پرستش قرار خواهند داد.

(صفیا 3:9): «زیرا در آن موقع، (زبان) ملتها را به زبان پاک و منزه تبدیل خواهیم کرد، که همه آنها نام حد۱ را خوانده، و او را به یکسان عبادت خواهند کرد.»

(یشعیا 2:2-3، میخا 1-2:4): «... خانه حد۱ را، بر قله کوهها مستقر خواهد شد، و بر تپه ها بالا خواهد رفت، و تمامی ملتها به سوی آن روانه خواهند شد. مردمان بسیاری رفته و خواهند گفت: «بیاید به کوه حد۱ را، و به خانه خالق یعقوب بالا رویم، تا (ماشیح)، طریق های او (حد۱) را به ما یاد داده، و ما در راههای او (حد۱) قدم برداریم. زیرا (کلام) تو را از صیون صادر خواهد گشت، و صحبت حد۱ را از یروشالیم...»

(زخریا 14:9): «حد۱ را، بر تمامی زمین، پادشاه خواهد بود؛ در آن روز، حد۱ را، یکتا، و اسمش یکتا خواهد بود.»

و) همزیستی مسالمت آمیز و صلح بین المللی

آگاهی و درک ا.لهیت، کوتاه فکری و تمایلات نابخردانه را، که اغلب منجر به کشمکشهای بیهوده، و جنگ و ستیز بین ملتها می شود، خود به خود از بین می برد. در نتیجه، دوره گئولا، دوره صلح و صفا در سرزمین مقدس یسرائل، و نیز در سراسر دنیا خواهد بود:

(یشعیا 2:4 و میخا 4:3): «... و آنها شمشیرهای خود را شکسته (و) به گاواهن (تبدیل خواهند کرد)، و نیزه های خود را به قیچی های شاخه زنی (مبدل خواهند ساخت). ملتی بر ملت دیگر شمشیر بلند نکرده، و دیگر جنگ نخواهند آموخت.» میخا (4:4) ادامه می دهد: «هرکس در زیر درخت انگور خود، و در زیر درخت انجیر خود نشسته، و کسی آنها را هراسان نخواهد کرد.»

(هوشیاع 2:20): «... و من، کمان و شمشیر و آلات جنگی را از زمین باطل کرده، و آنها (قوم یهود) را در امنیت قرار خواهم داد.»

(زخریا 9:10): «و تیروکمان جنگ از بین رفته، و ماشیح با ملت‌ها از صلح صحبت خواهد کرد...»

این حالت و رفتار تازه بشریت، در دنیای حیوانات نیز مشاهده خواهد شد:

(یشعیا 9-6:11): «گرگ با گوسفند زندگی خواهد کرد، و پلنگ در کنار بزغاله خواهد خوابید. گوساله و بچه شیر و گاومیش، با هم خواهند بود، و کودک صغیری آنها را هدایت خواهد کرد. گاو با خرس چرا خواهد کرد، بچه‌های آنها با همدیگر خواهند خوابید، و شیر، همانند گاو، گاه خواهد خورد. طفل شیرخوار، بر سوراخ مار کبرا بازی خواهد کرد، و نوزاد تازه از شیر گرفته شده، دست خود را بر مردمک چشم افعی دراز خواهد کرد. در تمامی کوه مقدس من، آسیبی نرسانده، و خرابی به بار نخواهند آورد، زیرا زمین از دانش حد.اوند، مملو خواهد گشت، همانند آبهایی که دریا را می پوشانند.»

(یشعیا 65:25): «گرگ و گوسفند، با همدیگر چرا خواهند کرد. شیر همانند گاو، گاه خواهد خورد، و خاک، غذای مار خواهد بود. در تمامی کوه مقدس من، آسیب نرسانده، و خرابی به بار نخواهند آورد.»

ز) رستاخیز مردگان

(یشعیا 26:19): «مردگان تو، زنده خواهند شد؛ ای کسانی که در خاک خوابیده‌اید، برخاسته و ترنم کنید...».

(یحزقل 14-12:37): «اینک، من قبرهای شما را باز کرده، شما را از قبرهایتان بالا خواهم آورد، ای قوم من، و شما را به سرزمین بیسرائل خواهم آورد؛ و شما ای قوم من! خواهید دانست که من هستم حد.اوند، موقعی که قبرهای شما را باز کرده، و شما را از قبرهایتان بالا خواهم آورد، و روح خود را در شما دمیده، و زنده خواهید شد. و شما را بر سرزمینتان مستقر خواهم نمود، و خواهید دانست که من هستم حد.اوند، که گفتم و انجام دادم...»

(دانیل 12:2): «بسیاری از آنها بیکه در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد...»

ح) برکت و سعادت رویایی، پایان بیماری و مرگ و میر

در زمان گئولا، جهانیان شاهد برکت و نعمت جسمی و روحانی در حد اعلی خواهند بود. همه بیماران شفا خواهند یافت. اشخاص نابینا، کر، لال، و هر کس که از نقص عضو دیگری رنج می برد، همه از ناتوانی نجات خواهند یافت (یشعیا 6-5: 35): «در آن زمان، چشم نابینایان روشن شده، و گوش ناشنویان باز خواهد شد ... (فرد) چلاق، همانند گوزن جست و خیز کرده، و لال، ترنم خواهد کرد ...» مرگ و میر نیز متوقف خواهد شد، همانطور که گفته شده (یشعیا 8: 52): «مرگ برای همیشه از بین خواهد رفت، و حد.اوند، اشک را از هر صورتی پاک خواهد کرد...» حاصلخیزی زمین نیز، به حد چشمگیری زیاد شده، و انواع و اقسام فرآورده های گیاهی را به وفور تولید خواهد کرد. درختان نیز، همه روزه میوه های رسیده به بار خواهند آورد:

(یشعیا 3: 51): «بیابان صیون، همانند عدن خواهد شد، و صحرای آن، مثل باغ حد.ا. غلات را ... زیاد خواهیم کرد، و ... میوه درختان و حاصل زمین را افزایش خواهیم داد.»
(یحزقل 30-29: 36): «و ... کوهها، شراب شیرین تراوش خواهند کرد، و همه تپه ها هموار خواهند شد.»
(عاموس 9: 13): «در آن زمان، نه قحطی خواهد بود، نه جنگ، نه حسادت، و نه دعوا، زیرا تمام خوبی ها به وفور اعطا خواهند شد، و تمامی لذایذ، همانند خاک در دسترس خواهند بود.»

وقایع و شرایط خارق العاده و شگفت انگیز زمان گئولا، با تمامی معجزاتی که قبل از آن به وقوع پیوسته، حتی با معجزات مربوط به خروج از مصر، غیرقابل مقایسه بوده، و آنها را تحت الشعاع قرار خواهند داد.

با این وجود، بایستی خاطرنشان کرد که برکات و نعمات الهی، به خاطر عیاشی و خوشگذرانی نبوده، بلکه وسایلی برای رسیدن اهدافی والاتر می باشند. همانطور که «هارامبام» متذکر شده است:

آرزو و اشتیاق ما برای زمان ماشیح، به خاطر سلطه جویی بر دنیا، و یا حکمروایی بر ملتها، یا مورد ستایش قرار گرفتن به وسیله آنها نیست. همچنین (این موضوع)، به خاطر خوردن و

نوشتیدن و عیاشی نمی باشد، که به عقیده غلط، بعضی از مردم عامی، ثروت و دارایی فراوان داشته، اسب سواری کرده، در بزم و میخوارگی غوطه ور شوند.

بلکه بیشتر به خاطر رهایی از سلطه قدرتهایی است که در حال حاضر، ما را از انجام صحیح و شایسته ی تورا و میصوت بازمی دارند. آرزو و اشتیاق ما، این است که بدون اذیت و آزار از طرف دیگران، تمامی جوانب زندگی خود را آزادانه به تورا و دانش آن اختصاص دهیم. امید و انتظار ما برای آن روز، بدین دلیل است که در آن موقع، صادقان و صالحان، گرد هم آمده، و دوره ای خواهد بود که عقل و حکمت، و خوبی و حقیقت بر دنیا مستولی خواهد شد. آن هنگام، زمانی خواهد بود که دستورات تورا، بدون هیچ بی تفاوتی، تنبلی، و یا اجبار، مو به مو اجرا خواهند شد.

تنها پیشه (مردم) دنیا، دانستن و شناختن الهیت خداوند خواهد بود. یهودیان، دانشمندان بزرگی خواهند بود. آنها حقایقی را که (فعالاً) پنهان و مستور هستند، خواهند دانست، و به دانشی متعالی از خالق خود، آن طوری که در ظرفیت بشر خاکی است، دست خواهند یافت؛ همانطور که گفته شده (یشعیا 11:9): «زمین، مملو از دانش الهی خواهد شد، همانند آبهایی که دریا را می پوشانند.»

فصل سوم

(עקבות דמשיחא) دوره قبل از ماشیح

زمانی که از سوی خداوند، برای گئولا و آمدن ماشیح تعیین شده، رازی بسیار پوشیده و پنهان می باشد. با این وجود، نشانه های بسیاری در مورد نزدیکی وقوع آن، به ما داده شده است؛ وقتی که شرایط معینی در دنیا پدیدار شوند، بایستی منتظر آمدن قریب الوقوع ماشیح بود. بسیاری از این شرایط تعیین شده، اضطراب آمیز و نگران کننده بوده، و نمایانگر موقعیت به اصطلاح «رسیدن به ته چاه» می باشند.

یکی از منابع اصلی، شرایط دنیا را در آن زمان، چنین توصیف می کند: بی شرمی و بی حیایی زیاد خواهد شد، تورم بیداد خواهد کرد، مراجع تقلید، مسئولیتهای خود را نادیده خواهند گرفت، مراکز علمی، به مکانهای عیاشی و هرزگی تبدیل خواهند شد، بدون اینکه کسی به آنها ترحم کند. حکمت حکیمان به فساد تبدیل خواهد شد. صادقان، مورد تنفر قرار خواهند گرفت. حقیقت از دست خواهد رفت. جوانان به پیران بی احترامی خواهند کرد. خانواده ها از همدیگر پاشیده خواهند شد.

منابع دیگر چنین اضافه می کنند: کاهش در شماره ی دانشمندان، زیاد شدن بدبختی ها، و صدور احکام بد، تهمت گویی، خبر چینی، امراض و بیماریهای خطرناک، فقر و کمیابی کالاها، نفرین، کفرگویی، و منازعات و جنگهای بین المللی. به طور خلاصه، زمانی مملو از رنج و فلاکت خواهد بود، به طوری که چنین به نظر خواهد رسید که گویی خدا در خواب است. اینها همه درد و رنج قبل از ورود ماشیح هستند، که فقط به وسیله امیدواری برای سعادت بعد از آنها، قابل تحمل می باشند.

«وقتی که شاهد نسل رو به زوال گذاشته و منحرف شده ای هستی، امید به او داشته باش ... وقتی که شاهد نسلی هستی که زیر بار گرفتاریها کمر خم کرده، برای او منتظر باش. وقتی که شاهد جنگ بین ملتها هستی، منتظر قدم ماشیح باش.»

پس جای تعجب نیست که بعضی از دانشمندان تلمود، در رابطه با روزهای قبل از آمدن ماشیح، از خود اضطراب فراوان نشان داده، و از آن با گفته‌هایی از قبیل «بگذار بیاید، ولی من / او را نبینم» یاد کرده‌اند. با این حال، طرز فکر مورد قبول و متداول بین مردم، انتظار برای آمدن ماشیح، علیرغم همه مقدمات اضطراب‌انگیز آن می‌باشد. با این همه، گرفتاریها و عذابی که برای قبل از آمدن ماشیح پیش بینی شده، غیر قابل اجتناب نخواهد بود. به گفته تلمود (سهدرین 98ب):

«انسان چه کند تا از درد (آمدن) ماشیح رهایی یابد؟ بهتر است که به تورا و اعمال نیک مشغول شود.»

به علاوه، علائم و نشانی‌های مسرت‌بخش و امیدوارکننده‌ای نیز در رابطه با زمان قبل از آمدن ماشیح پیش بینی شده‌اند. به عنوان مثال، پیشرفت و خوشبختی نسبتاً زیاد مردم دنیا، تجدید حیات در مطالعه تورا، باز شدن «دروازه‌های عقلانی در بالا»، و چشمه‌های حکمت در پایین، که «باز شدن دروازه‌های عقلانی در بالا»، با ظهور و پیشرفت تعالیم رمزی، قبالا، و عرفان تورا، بسیار مشهود بوده، و «باز شدن چشمه‌های حکمت در پایین»، با پیشرفتهای و اکتشافات علمی و تکنولوژی امروز، کاملاً قابل رویت است. همچنین «موقعی که ماشیح به پا خواهد خواست، علائم شگفت‌انگیز، و معجزات بسیاری در دنیا به وقوع خواهند پیوست.»

فصل چهارم

شخصیت ماشیح

الف) ماشیح: بشر خاکی

هدف نهایی از آفرینش دنیا، که از اولین لحظه خلقت در نظر پروردگار بود، ماشیح و دوره گئولا می باشد. در نتیجه، ماشیح یکی از موضوعاتی است که حتی بر موضوع آفرینش مقدم است. البته این، اشاره ای است به اصل یا موضوع ماشیح، و روح او. ولی از جنبه فیزیکی و دنیای مادی، ماشیح، یک بشر خاکی است.

ماشیح، انسانی است خاکی، از اولاد بشر، که به صورت عادی متولد شده است. تنها نشانه در مورد اصل و نسب او، این است که از اعقاب داوید هَمَلِخ (حضرت داود)، و از نسل پسرش شلومو هملخ (حضرت سلیمان) می باشد. صداقت و پارسایی او، از بدو تولد به بعد، دائماً در حال افزایش بوده، و به خاطر فضیلت و اعمال شایسته خود، به عالیترین و والاترین درجات تکامل روحی دست خواهد یافت.

ب) ماشیح در هر دوره

امکان آمدن ماشیح، در هر دوره وجود دارد. با این حال، این بدان معنی نیست که او در وقت مناسب برای ظهور، از آسمانها پایین آمده و در زمین ظاهر خواهد شد! بلکه برعکس، می توان گفت که ماشیح، همیشه روی زمین است. بشری خاکی، با پایه و مقام بسیار مقدس و روحانی (صدیق)، که در هر دوره وجود داشته، و حاضر و ناظر است: «در هر دوره، فرزندی از طایفه یهودا به دنیا می آید، که برای بودن ماشیح ییسرائل، برانزده است.»

روزی که در آن، باید گالوت به پایان رسیده، و ماشیح، ییسرائل را نجات دهد، نشامای مخصوص و از قبل موجود ماشیح، که از ازل در باغ عدن بوده، پایین آمده، و به آن فرد «صدیق» اهدا خواهد شد.

ربی مُشه سوفیر، معروف به «חַתָּם סוֹפֵר»، این موضوع را در سوالنامه خود، چنین توضیح

می دهد:

«در مورد نهال نورسته داوید (ماشیح)، این مقدمه بایستی در ابتدا در نظر گرفته شود: حضرت مشه، ناجی اول قوم بیسرائل، به هشتاد سالگی رسید، و هنوز از اینکه بیسرائل را نجات خواهد داد، اطلاعی نداشت، و آن را احساس نمی کرد. حتی موقعی که حد.اوند مقدس و متبارک، به او گفت: «بیا تا من، تو را به نزد فرعون بفرستم ...» او سرباززده، و راضی به قبول این ماموریت نمی شد. همین موضوع، در مورد ناجی نهایی نیز صدق می کند.

همان روزی که بت همیقداش خراب شد، نشامایی به دنیا آمد که با حسن صداقت و فضیلت خود، شایستگی ناجی بودن را هنوز داراست. حد.اوند، در موقع مناسب، خود را به او ظاهر کرده، و او را برای انجام ماموریت خود خواهد فرستاد. در آن موقع، نشامای ماشیح که تا زمان آمدن او، در عرش اعلا پنهان بوده، بر او فرود خواهد آمد.

همین طور نیز ما در مورد شائول پادشاه می بینیم که روح پادشاهی و تقدس، که آن را قبلاً در وجود خود اصلاً احساس نکرده بود، بعد از اینکه (به عنوان پادشاهی) مسح شد، بر او آمد...

آن شخص صدیق نیز، از این نیروی ذخیره ای در خود باخبر نیست. به خاطر گناهانمان، بسیاری از این اشخاص «صدیق» در اعصار گذشته آمده و رفته اند، و ما شایستگی نداشتیم که روح ماشیح به آنها اهدا شود. آنها درخور و برازنده قبول این ماموریت بودند، ولی (افراد) دوره آنها این شایستگی را نداشتند ...»

ج) شخصیت و صفات خاص ماشیح

(یشعیا 4-2: 11): «روح حد.اوند، بر او خواهد آمد: روح عقل و فهم، روح تدبیر و توانایی، روح دانش و ترس الهی. و او با ترس الهی الهام شده، با دید چشمانش قضاوت نخواهد کرد، و با سمع گوشهایش، فتوا نخواهد داد. تهیدستان را با عدالت داوری کرده، و برای افتادگان زمین، با تساوی حقوق تصمیم خواهد گرفت؛ و ظالمان زمین را با عصای کلام دهان خود کوبیده، و شیریران را با نفس (نسیم) لبان خود، از بین خواهد برد.»

(یشعیا 11: 53): «بنده ی من، با پیروی از دانش خود، عادلان را تبرئه خواهد کرد ...»

« اینک بنده ی من، عاقل و خردمند، والامقام و سرافراز، و بسیار بلندمرتبه خواهد بود» (یشعیا 52:13). عقل و دانش او، از شلومو هملخ نیز فزونی خواهد داشت. از پدران قوم یهود (اوراهام، ییصحاق و یعقوو)، و نیز انبیائی که بعد از مشه ربنو به پا خواستند، بلندمرتبه تر بوده، و از بسیاری جوانب، حتی از مشه ربنو نیز بالاتر خواهد بود. شان، مقام، و احترام وی، از همه پادشاهان قبل از او فراتر است. او ناوی (پیامبر) معظمی بوده، و تنها از این لحاظ، فقط در مقایسه با مشه ربنو، مقام دوم را خواهد داشت. البته همه شرایط و خصوصیت های عقلانی و روحانی لازم برای نبوت را دارا خواهد بود.

او همانند چوپانی باایمان، چنان دلواپس و در فکر ملت خویش است، که هر نوع رنج و عذابی را که تضمین کننده ی نجات یکایک آنهاست، داوطلبانه بر خود قبول کرده، مبادا حتی یک نفر از آنها دست برود.

ماشیح، دائماً در حال مطالعه یا تفکر در تورا و تعالیم آن بوده، و مشغول انجام اعمال نیک می باشد. او تمامی ملت یهود را تعلیم داده، و آنها را در راه الهی هدایت خواهد کرد. او ملت ییسرائل را با میل و رضایت خودشان، به پیروی از قوانین تورا واداشته، و نقض و به هم خوردگی تعالیم تورا را از بین برده، و در راه خدا مبارزه خواهد کرد.

ماشیح، ایده های کاملاً نوینی ارائه خواهد داد، و راز و رموز مخفی تورا را به قدری آشکار خواهد کرد، که تمامی تورایی که در دنیای کنونی مطالعه شده، در برابر علم تورای ماشیح، ناچیز خواهد بود.

ماشیح، برای اثبات هویت خود، احتیاجی به انجام معجزات و شگفتیهای خارق العاده نخواهد داشت. ولی با این وجود، او این کار را خواهد کرد.

فصل پنجم

تاریخ آمدن ماشیح

تاریخ واقعی آمدن ماشیح، رازی است که از بشر خاکی پوشیده است. در «یشعیا» گفته شده که گئولا، در وقت (مناسب) آن، به وقوع خواهد پیوست، که این «وقت»، از ابتدای آفرینش تعیین گشته است. این زمان موعود (۲۳ - آخر زمان)، بدون قید و شرط می باشد، بدین معنی که به لیاقت و شایستگی ملت بیسرائل بستگی نخواهد داشت؛ همانطور که گفته شده: «به خاطر (نام) خود، و به خاطر (گفته) خود، آن را انجام خواهیم داد...» (یشعیا 48:11)؛ و نیز: «انجام دادم به خاطر اسم خود، مبادا در نظر ملت‌ها بی حرمت شود.» (یحزقل 20:9)

با این وجود، لغات و اصطلاحاتی که در کتاب یشعیا هناوی به کار برده شده، ضد و نقیض می باشند. در آنجا گفته شده: «در وقت مناسب آن، آن را تسریع خواهیم کرد.» «در وقت مناسب آن»، یعنی زمان معین و تعیین شده از قبل، درحالی‌که «آن را تسریع خواهیم کرد»، بدین معنی است که گئولا امکان دارد زودتر، و قبل از «وقت» مناسب آن، به وقوع بپیوندد. این تناقص در تلمود بدین طریق حل می شود: «اگر آنها شایستگی و لیاقت داشته باشند، آن را تسریع خواهیم کرد، و اگر نه، در وقت مناسب آن خواهد بود.»

نتیجه گیری از این موضوع، بسیار روشن است: ماشیح می تواند هر لحظه، و یا هر روز، حتی قبل از زمان تعیین شده بیاید. به نقل از تهیلیم (مزامیر داوود): «امروز (خواهد آمد)، اگر به ندای او گوش دهید.»

هر نسلی دارای (۲۳ - آخر زمان) مخصوص به خود می باشد، زیرا طبق آنچه گفته شد، ماشیح در هر دوره ای (اگر چه در خفاست)، زنده و حاضر است. او هر لحظه آماده برای ظهور بوده، و به مجردی که از جانب الهی به او ابلاغ شود، ظاهر خواهد گشت. در تمامی طول مدت قبل از وقت (مناسب) آن، زمانهای خاص و بسیار مناسبی هستند که به نحو آسانتری می توان باعث آمدن وی شد.